

۱۲۵۷.۷۵

۱۳۹۵/۱۲/۹

کتاب کوچک ۱۰۸

مرگِ چزاره مالایستا

[داستان]

برونو برشت

برگردانِ مونا مدادی



انتشارات نیا

۵۷۰۷۵/۱
P. 71, 507/1

۱۰۰۱ - ۲۰۰۲

تیم کاله موانع
از دست

برشت، برتولت، ۱۸۹۸-۱۹۵۶ م. Brecht, Bertolt

مرگ هزاره مالاتستا / نوشته‌ی برتولت برشت؛ برگ‌دان مونا هدایتی.

تهران: نیلا، ۱۳۹۵

۱۲ ص -- [قلمرو ادبیات ۹۸؛ کتاب‌های نیلا ۱۰۱]

ISBN: 978-600-122-023-4

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فنی

کتاب حاضر ترجمه‌ی یکی از داستان‌های کتاب "Bertolt Brecht Collected Stories" است. متن اصلی کتاب به زبان آلمانی است و کتاب حاضر از زبان آلمانی به فارسی ترجمه شده است.

داستان‌های آلمانی -- قرن ۲۰ م.

۸۳۳/۹۱۲

PT۲۶۱۳/م۴ ۱۳۹۲

هدایتی، مونا، ۱۳۶۳، مترجم

کتابخانه‌ی ملی ایران ۳۴۰۹۷۷۸



انتشارات نیلا

قلمرو ادبیات [۹۸]

نظر حمید امجد

مجموعه چهاره و لاتِستا

به نیت برشت

برگردان: زنا هدایی

با سپاس از همکاری محمد چرم شیر رضا، ی. - رحیم پور

طراح شکل مجموعه: امیر ابائی

طراح جلد: اردشیر رستمی

چاپ یکم: اسفند ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۲-۰۲۳-۴

ISBN: 978-600-122-023-4

هرگونه نقلی و استفاده و اجرا از این داستان بسته به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

www.NilaBook.com

Nila@NilaBook.com

www.instagram.com/NilaBooks

تهران - صندوق پستی ۱۹۵۸۵/۷۵۵ - تلفن ۶۶۷۳۴۲۹۸

برتولت برشت (۱۸۹۸-۱۹۵۶) نمایشنامه‌نویس، کارگردان و
 نگ پرداز آثار، شاعر و داستان‌نویس آلمانی، در عصر اقتدار
 امپراتوری وایمار دوم متولد شد، اما ورودش به عرصه‌ی زندگی
 هنری و ادبی با تصادف بود با شکست آلمان در جنگ جهانی
 اول و فروپاشی نظام اجتماعی و سیاسی پیشین. ده سالی پس از
 جنگ را با سرریدگی نیت‌انگاران سرکرد، سلسله‌ای از
 داستان‌های کوتاه نوشت. نمایشنامه‌هایی از جمله *بعل* (۱۹۱۸)،
آدم آدم است (۲۶) و *اپرای پچولی* (۲۸)، و مجموعه شعر
هزل‌آمیز کتاب دعا (۲۷). آن‌گاه با گرایش جدی به کمونیسم، به
 آموزش و انضباط خشک حزبی روی آورد و تعداد زیادی
 نمایشنامه‌های آموزشی با بار تبلیغی و تهیجی سیاسی نوشت. از
 مشهورترین آثار این دوره‌اش: *آن‌که گفت آری* / *آن‌که گفت نه*
 (۱۹۳۰)، *مادر* (۳۲). با قدرت گرفتن فاشیسم در آلمان، اچار از
 مهاجرت شد، و آثاری تبلیغی علیه فاشیسم نوشت. *ترس و نکبت*
رایش سوم (۱۹۳۵-۶) و *تفنگ‌های خانم کارار* (۳۷). مهاجرت
 بخش کارنامه‌ی نمایشی‌اش اما از قضا در میان نمایشنامه‌های بلند
 و کم‌تر تبلیغی دوره‌ی بعدی‌اش یافتنی‌اند: *زندگی گالیله* (۱۹۳۸)،
ننه‌دلاور و فرزندانش (۳۹)، *زن نیک سچوان* (۴۰-۳۸)، *ارباب*
پونتیلا و نوکرش ماتی (۴۱-۴۰)، *دایره‌ی گچی قفقازی* (۴۵-۴۴).

در سال‌های اوج جنگ جهانی دوم ناچار از ترک اروپا و اقامت در امریکا شد (۴۷-۱۹۴۱) و پس از بازگشت و استقرار در آلمان شرقی تا پایان عمر، بیش‌تر بر تجربه‌های اجرایی با گروهش (برلینر آنسامبل)، نگره‌پردازی درباره‌ی اجرا، و نیز نگارش چند نمایشنامه‌ی اقتباسی متمرکز شد. گرچه از جوانی به نوشتن داستان و شعر نیز اشتغال داشت، در این دوره‌ی پایانی عمر به اوج خلاقیت شاعرانه‌اش رسید.

اگرچه سال‌ها پس از مرگش، آوازه و هیاهوی آثار سیاسی‌ترش فرو نشسته، و اعتبار حقیقی کارنامه‌اش در نمایشنامه‌های بلند، شعر، نمایش و نشر روایی او بر زمینه‌ی تاریخ و فرهنگ و زبان آلمانی جستجو است.